

۱۴۸ - ای بند گان الهی

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



۱۴۸ - ای بند گان الهی

ای بند گان الهی، قریب غروبست و من از کثرت کار خسته و بی راحت و گرفتار با وجود این بذکر شما مشغولم و بیاد شما مانند دریا پرموج و بیقرار. ملاحظه نمائید که محبت یاران چگونه عبدالبهاء را به هیجان آورده که در چنین وقتی و چنین حالتی بنگارش نامه پرداخته. مقصود اینست که یاران الهی باید مظاهر فیض رحمانی باشند و سبب فرح و شادمانی این بنده فانی.

فرح و سرور من در اینست که به بینم و بشنوم و احساس نمایم که دوستان الحمد لله در آن سامان شمعیهای روشنند و گلهای گلزار و گلشن رائحه روح و ریحان منتشر است و نکهت شکوفه و ازهار بهجت بخش قلوب اهل آفاق بصفات رحمانیه متخلّقند و باخلاق روحانیه متّصف جوهر راستی هستند و واسطه صلح و آشتی جز رضای حق آرزوی ندارند و بغیر از جانفشانی کامرانی نخواهند خود را فدای جمال اهی نموده‌اند و بتقدیس و تنزیه شهره آفاق گشته‌اند جمیع ملل و امم در روش و سلوک و صفات یاران حیرانند و کلّ برپاکی و آزادگی و خضوع و خشوع آن نفوس شهادت میدهند.

ای یاران رحمانی این عبد بی نهایت شما را دوست دارد ولی آرزویش چنانست که روز بروز در مراتب کمال ترقی نمائید هر دم بهتر شوید و هر نفس شیرین تر گردید تا هر یک بهر جمعی در آئید مانند شمع برافروزید اینست سبیل روحانیان و اینست روش رحمانیان. اگر انسان بآن موفق گردد روز بروز بیشتر ترقی نماید و الا عاقبت خسران مبین است و حسرت در نفس باز پسین.

از خدا خواهیم که آیات توحید گردید و نشانهای الطاف ربّ مجید با جمیع طوائف عالم بنهایت مهربانی سلوک نمائید هر چه جفا بینید بویا برخیزید هر چه خطا مشاهده کنید بدامن ستر پوشید تا توانید در فکر آن باشید که



ORIGINAL



AUDIO

سبب نورانیت عالم انسانی شوید و آلا دریای خاک عنقریب موجی زند و جمیع در زیر آن موج غرق و نابود مگر
احبای الهی آنان که ناظر بافق بقایند و مطالع مهر و وفا ابدیند و سرمدی ربانیند و ایزدی.

